

۲۹۵

# مهوریت قرآن

بخش اول

نویسنده و محقق: علی محمدی

موضوع:

بررسی علل شکایت نبی مکرم اسلام (ص) به خدای متعال از مهوریت قرآن با استناد به آیه «و قال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا و هذا القرآن مهجور - فرقان ۳۲»، از علماء، فقها، اندیشمندان، متفکران، دست اندرکاران علوم قرآنی، دانشگاہیان به ویژه حوزه های علمیه، از پیامد های خطرناک بی اعتنائی و بی توجهی به معارف حقیقی، کاربردی و روز قرآن به عنوان اساسی ترین نیاز همه انسانها به ویژه نسل های جدید در جهان اسلام به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران است.

مقدمه

قرآن که جامع ترین، کامل ترین، پیشرفته ترین و به روزترین دستورات انسان ساز را برای سعادت دنیا و آخرت همه انساهاى موحد به ارمغان آورده، قرآنی که قانون اساسی حکومت جهانی آخرین ذخیره الهی حضرت بقیة الله الاعظم حجت بن الحسن المهدی (عج) است.

رسول گرامی اسلام (ص) شکایتش به درگاه الهی از مهوریت و انزوای قرآنی است که در طول هزار و چهارصد سال حرکتی یکنواخت و بدون کمترین تغییر تحول و دگرگونی نوآوری قرار داشته و این در حالی است که همه مسؤولین قرآنی اعتقاد دارند که دستورات و فرهنگ قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی و کلام الهی همیشه جلوتر از زمان، افکار و فرهنگ ها بوده و مترقی ترین و جدیدترین نیازهای جامعه بشریت را با خود دارد. پس چرا باید اینگونه مهجور باشد؟! در حالی که

طول این مدت که از عمر قرآن می گذرد جهان مادی در تمامی ابعاد با تحولاتی حیرت انگیز روبرو گردیده است. رشد علم، تکنولوژی لحظه به لحظه در حال تکامل است. در مدتی نه چندان دور است که هواپیما ها به جای شتر در سفرها، تلفن های همراه جایگزین اسب نامه بر، و رایانه های با میلیاردها عملیات در ثانیه جای چرتکه را گرفته اند و ... علم و صنعت با سرعت هر چه تمامتر در حال تسخیر فضا و کرات بالا هستند. اما قرآن چرا توانسته خود را از گوشه مساجد و از بین عوام خارج سازد؟! چرا قرآن مهجور ماند؟! اگر بخواهیم به همه ابعاد بی توجهی به قرآن بپردازیم مشنوی هفناد من کاغذ شود، اما به شرح زیر مواردی می توان اشاره کرد که قرآن با این عظمت را به این روز انداخته است.

۱ - اینکه در حوزه ها چه در گذشته و چه در

۱۹۹۹

**فقها به سهم خود  
فقه و اصول  
را لازم تر،  
کارا تر و  
مفید تر از قرآن  
تشخیص دادند و  
دیگران هم کم و  
بیش همینطور در  
حالی که اگر به  
کارایی قرآن توجه  
می شد مشخص  
می شد که  
مهمترین و اصلی  
ترین اساس و  
خمیر مایه  
هر علمی قرآن  
است**

فراوان دیگر که دارد صورت می گیرد و این عمده ترین دلیلی است که امروز جامعه ما شاهد بی محتوایی، سطحی نگری عقیدتی در اقصای مختلف است، و عوامیت یعنی دین ارثی، عادت، احساسی و تقلیدی به سرعت سرسام آوری رو به فراگیر شدن است. در حالی که دین تعقلی، تفکری، تدبری و تحقیقی که بیش از چهارصد بار در قرآن تاکید شده جایگاهی در کشور ما ندارد یا بسیار ضعیف است. اینجاست که دین‌گریزی - سکولاریزم و بی‌اعتنایی به احکام شرع، به سنت قرآن و ولایت‌بازاری به مراتب داغ‌تر دارند، و قرآن این امانت الهی که محور اصل دین است هر روز از نظر محتوا بی ارزش تر می شود، اگر چه از نظر ظاهر رشد فراوانی در امور خاص دارد که اشاره می شود.

### سومین عامل مهجوریت قرآن

۳ - مشکل سوم اینکه متأسفانه هیچ مفسری هم مفسر دیگر را قبول ندارد. (۱) یعنی اگر شخصیتی عظیم‌القدر عارف بالله فیلسوف جهان اسلام با آن غنای علمی حضرت استاد علامه طباطبایی تفسیری بسیار غنی، علمی، فلسفی و متناسب نیاز عصر خودشان می نویسند و بیست سال عمر گرانبهای خود را صرف می کنند، مورد استفاده قرار نمی گیرد و در کتابخانه‌ها بایگانی می شود، مگر قلبی که آن هم نمود فراگیر ندارد. هر کس تفسیر خود را بهتر از میزان می داند، لذا توجهی هم به تفسیر تخصصی و روزی نظیر میزان ندارد، و تازه تفسیر میزان با همه ارزش و کم نظیر بودن در نوع خودش حضرت علامه طباطبایی اعلی اله مقامه معتقد بودند که هر بیست سال یکبار باید تفسیر جدید و متناسب با زمان نوشته شود نه اینکه تصور شود میزان ابدی است و دیگر نیاز به تفسیر جدید و متناسب با رشد علم، فرهنگ و افکار نسلهای جدید حال و آینده نیست، اما انتظار بود مفسرین به جای تفسیرهای موجود - تفسیر میزان را مورد بهره برداری قرار می دادند تا جامعه بتواند با حقایق قرآن این کتاب منحصر به فرد الهی

حال قرآن محور، اصل و در متن نبوده بلکه بیشتر در حاشیه و رده های چندم، به عنوان مثال، آیا به مقداری که به فقه، اصول و ... پرداخته شده به قرآن توجه گردیده؟ به طوری که نقل شده وقتی حضرت استاد بزرگوار علامه طباطبایی این مرد الهی و مفسر بزرگ قرآن (رضوان الله علیه) تفسیر را شروع می فرمایند خطاب به ایشان گفته می شود شما با این موقعیت علمی و ... چرا تفسیر را شروع کردید و ... این عمده ترین زمینه سازی مهجوریت قرآن در جوامع شیعی است. آیا این بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به این گوهر ارزشمند، چیزی جز عدم شناخت، حقیقت و کارایی قرآن به صورت فراگیر است.

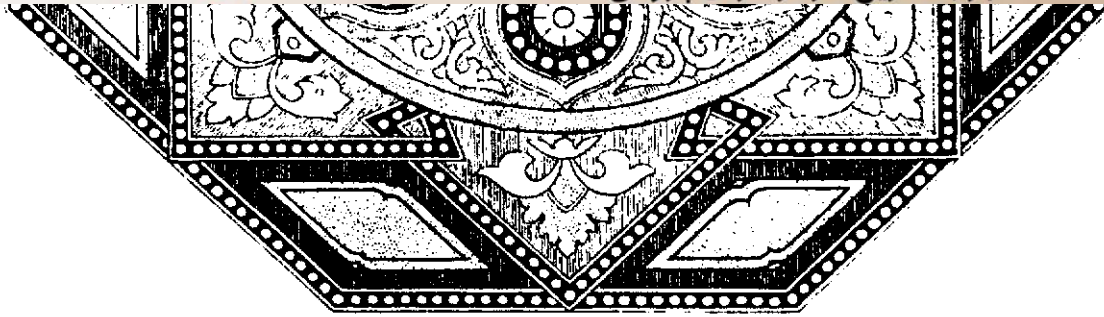
فقها به سهم خود فقه و اصول را لازم تر، کارا تر و مفید تر از قرآن تشخیص دادند و دیگران هم کم و بیش همینطور در حالی که اگر به کارایی قرآن توجه می شد مشخص می شد که مهمترین و اصلی ترین اساس و خمیر مایه هر علمی قرآن است.

### دومین عامل مهجوریت قرآن

دومین مسئله که عامل انزوا و مهجوریت قرآن گردید اینست که همه مفسر قرآن شدند. از تمام گویندگان اساتید، معلمین، مداحان، روضه خوانان، کاسبها، هر کس از راه رسید با هر مقدار سواء، اطلاعات بر کرسی تفسیر نشست حتی بی سوادها، تفسیرنویسی و تفسیرگویی مانند بسیاری از کارها رواج یافت و امروز هر کس همین قدر بفهمد بسم الله الرحمن الرحیم یعنی به نام خداوند بخشنده مهربان تفسیر می نویسد و یا تفسیر می گوید، آیا با این وضع می خواهیم قرآن مهجور نشود؟!

در جامعه اصطلاح جالبی است می گویند هر چیز را که خواستی خراب کنی از آن بد تعریف کن. غیر تخصصی، غیر کارشناسانه به آن بپرداز. دقیقاً چیزی که در حال حاضر در جامعه شیعی روی قرآن، احکام دین، معرفی اسلام، نهج البلاغه، ولایت، شفاعت، محبت اهل بیت، مداحی ها، محرم، روضه، ظهور، دعاهای و گفتنی های

۲۵۵۵



**تفسیرها فقط در محدوده ای خاص، بسته و متناسب با اطلاعات مفسر مورد استفاده قرار گرفت، یعنی عمده تفاسیر در مسائل تاریخی، روایی، داستانی آن هم در چهارچوب تاریخ اسلامی، در حالی که تفسیر قرآن نباید اینگونه محدود شود**

متناسب با نیاز روز آشنا شود، متأسفانه نشد و قرآن مهجور ماند.

#### چهارمین عامل مهجوریت قرآن

۴ - چهارمین موردی که عامل مهجوریت قرآن شد اینکه تفسیرها فقط در محدوده ای خاص، بسته و متناسب با اطلاعات مفسر مورد استفاده قرار گرفت، یعنی عمده تفاسیر در مسائل تاریخی، روایی، داستانی آن هم در چهارچوب تاریخ اسلامی، در حالی که تفسیر قرآن نباید اینگونه محدود شود، وقتی ما معتقدیم که قرآن کتاب هدایت همه انسانها است، پس همه انسانها نه یعنی قشری محدود آن هم با مطالبی تقریباً یکنواخت و برای افرادی خاص، در حالی که تفسیر قرآن باید به گونه ای باشد که هر تخصص، حرفه، زبان و فرهنگ و ... بتواند بهره برداری کند. یعنی هر کس با هر طرز فکر بتواند با زبان فهم خودش قرآن را بفهمد و این دستور خود قرآن است که می فرماید: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» (۲).

بدیهی است این شامل یک طلبه حوزه نمی شود که از روستایی یا شهرستانی ی... برود در حوزه علمیه ای و بعد از آموختن دروس رایج برگردد و افراد روستا یا شهرستان و ... خود را آن هم در حد قشری خاص، دین و قرآن بیاموزد. در حالیکه نظر قرآن تنها این مورد نیست بلکه باید منظور از قوم را متخصصین، نخبگان، اندیشمندان، هنرمندان و اقشار مختلف با تحصیلات و شغل های گوناگون هم بگیریم. یعنی اگر کشاورزی بخواهد خوب تفسیر بخشی از سوره واقعه را که مربوط

به اوست بفهمد.

«انتم ترزعونه ام نحن الزارعون» باید از جنس خودش، از شغل خودش آشنای به زبان خودش کسی رفته باشد در حوزه علوم قرآنی علاوه بر تخصص کشاورزی در حد نیاز علوم قرآنی را هم فرا گرفته باشد، یعنی کشاورز آشنای به کشاورزی برای کشاورز تفسیر بگوید نه اینکه یک آموزش دیده در حوزه با اطلاعات سطحی و محدودش بخواهد برای قشرهای مختلف تفسیر بگوید. بدیهی است زبان کشاورز، و اصطلاحات او با یک پزشک، مکانیک، خلبان، کامپیوتر، استاد دانشگاه و ... متفاوت است. دقیقاً بحث وحدت حوزه و دانشگاه اینجا مصداق پیدا می کند نه اینکه دانشگاهی آخوند شود یا بر عکس.

اما حوزویان و مفسرین رایج دینی و قرآنی امروز جامعه ما فقط برای قشری خاص تفسیر می گویند و این نیز از دلایل بی توجهی به تفسیرها و عدم استقبال از آنها است.

#### پنجمین عامل مهجوریت قرآن

۵ - چرا قرآن نتوانست جایگاه اصلی خود را در دانشگاه ها به صورت عمومی پیدا کند و شما از هر مفسری که می خواهید دعوت کنید و از ایشان بخواهید تا از قرآن برای متخصصین مختلف در رشته های علوم و فنون بحثی با زبان همان قوم، تفسیر قرآن داشته باشند. آیا دارید چنین فردی را؟ البته انتظار هم این نیست که فردی بتواند به طور تخصصی جامع کمال بی نقص چنین مسؤولیتی را عهده دار شود بلکه به صورت نسبی می تواند باشد. شما تفسیر نامه ۵۳ نهج البلاغه فیلسوف عالیقدر استاد جعفری را ملاحظه کنید.

۹۰۵۱

**نهج البلاغه تنها تفسیری بر قرآن است که مانند خود قرآن همیشه به روز و تازه است اگر نهج البلاغه در جامعه مورد توجه قرار می‌گرفت قرآن اینقدر مهجور نمی‌ماند**

مهری فراوان تر از قرآن گرفته و آن یادگار اول مظلوم همیشه تاریخ نهج البلاغه علی (ع) است که به مراتب بیش از قرآن به آن ظلم شده است، همچنان که به صاحبش ظلم شد و مظلوم تاریخ لقب گرفت!!

نهج البلاغه تنها تفسیری بر قرآن است که مانند خود قرآن همیشه به روز و تازه است اگر نهج البلاغه در جامعه مورد توجه قرار می‌گرفت قرآن اینقدر مهجور نمی‌ماند. وقتی به سخنان الهی حضرت راجع به قرآن در نهج البلاغه توجه می‌کنیم تازه می‌بینیم چه ظلمی به قرآن و نهج البلاغه شده. حضرت در خطبه‌های متعدد آن هم با چه عظمت و عمقی قرآن را مورد توجه قرار داده که نظیر این سخنان در هیچ یک از ائمه (ع) با این گستردگی دیده نمی‌شود - تفسیری فنی، کلاس بالا. باید اعتراف کرد که حقیقتاً قرآن را در تفسیر برای همگان ادا نموده است، به خاطر اهمیت و مناسبت آن با این بحث اشاراتی لازم به نظر می‌رسد.

۱ - هرگاه سختی‌ها، مشکلات، گرفتاریهای فراوان در زمینه‌های مختلف به شما روی آورد به قرآن مراجعه کنید، زیرا بهترین داروی شفا بخش همه دردها و راه حل تمامی مشکلات شما در قرآن است.

۲ - همه به قرآن نیازمندند - هیچ کس بی نیاز از قرآن نیست و...

۳ - مهمترین نکته‌ای که حضرت در رابطه قرآن به صورت گلابی، شکایت و اعتراض فرمودند این است که قرآن در بین شما و با شما هست. در بین شما و با شما نیست. به جای اینکه قرآن رهبر و امام شما باشد، گویا شما رهبر و امام قرآن شده‌اید. به جای اینکه شما از قرآن دستور بگیرید، طوری شده که قرآن باید از شما دستور بگیرد!! (۳)

### قرآن و استفاده‌های رایج

اینکه حضرت شکایت دارند از ما نسبت به برخورد اینگونه با قرآن مطلب قابل توجهی است که باید آن را مورد دقت جدی قرار داد و ببینیم

به بحث متخصصین فنی که حضرت از آنها به عنوان صاحبان فکر و تخصص به قول امروزی‌ها مغزها یاد می‌کند که می‌رسد، نتوانسته حق مطلب را ادا کند. این نقص نیست بلکه گستردگی و تخصصی بودن تفسیر است، لذا ما این نقیصه بزرگ را در تفسیرهای قرآن نیز به طور گسترده شاهدیم.

### ششمین دلیل مهجوریت قرآن نگاه غیر کارشناسانه و غیر تخصصی

اگر امروز قرآن بین دارندگان تحصیلات عالی دانشگاهی و ... انطور که باید جایی ندارد آیا یکی از دلایل این (مهم) نمی‌باشد؟! لذا حوزه‌ها تا کنون به قرآن نتوانستند آن گونه که باید بپردازند. زیرا قرآن را محور قرار ندادند و به دید فنی، کارشناسی، تخصصی به آن نگریستند لذا شکایت نبی مکرم از آنها به علت مهجوریت این قرآن کاملاً بجاست و روزی در درگاه عدل الهی، اگر بعد از این در این تسامح و تساهل تجدید نظر نکنند و همچنان بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به قرآن را ادامه دهند باید پاسخگو باشند. بدیهی است افکار باز و روشن نسل جدید نیز روزی بیدارتر خواهد شد و آن روز ممکن است خیلی دیر باشد.

راه حل چیست؟ چه کنیم؟ از کجا شروع کنیم تا انشاء الله جبران مافات شود و بتوانیم قرآن این بهترین مشاور، راهنما و راهگشا و شفا بخش ترین داروی همه دردها و مشکلات مادی و معنوی را به جامعه برگردانیم و زحمات بیست و سه ساله خاتم انبیاء (ص) را در حد توان جبران و جامعه عمل ببوشانیم. انشاء الله

**بهترین راه بازگشت به نهج البلاغه به عنوان بهترین، ماندنی ترین و به روزترین تفسیر قرآن کریم است.**

قرآن کتابی است زنده و جلوتر از همه افکار، عقاید و زمانها. لذا این قرآن تفسیری همانند خود زنده و پویا و جلوتر از زمان می‌خواهد. این تفسیر در بین ما هست ولی افسوس که آن هم از قرآن مهجورتر، منزوی تر و مورد بی

۲۰۵۲



## این قرآن رایج در جامعه ما و دیگر ملل اسلامی «مانند» خورشید جهان افروزی است که دنیای اسلام از نور آن به اندازه شمعی استفاده کرده باشد

واقعا چرا؟!

۱ - منظور حضرت از قرآنی که بین ما و با ما است قرآن رایج و موجود است که هزار و چهارصد سال به صورت یکنواخت بین ما مورد استفاده به شرح زیر قرار گرفته است:

برای استخاره، سفره عقد، خانه عروس، مهریه، رد کردن مسافر، قسم خوردن در محاکم، بازار و ... خواند برای مرده ها، ثواب، مجالس ختم، اول جلسات، شبهای جمعه، جایزه دادن، نوشتن روی انواع اشیاء، چاپ های مختلف، برگزاری مسابقات، نمایشگاه ها، دعوت از قراء خارجی برای خواندن؟! گذاشتن جلد آن روی سر در شبهای قدر، حفظ « الفاظ » شبی با قرآن، محافل انس با قرآن، جزء خوان، خواندن برای سلامتی امام زمان، روخوانی، شبی یک صفحه خواندن در مساجد و... که همگی به جای خود مفید و جای تقدیر از همه مسؤولین و دست اندرکاران و اخیرا هم نرم افزاری کردن آن با ابزارهای جدید همراه با صوت و لحن، ترتیل، جمع خوانی و نظایر اینها.

این قرآن رایج در جامعه ما و دیگر ملل اسلامی «مانند» خورشید جهان افروزی است که دنیای است که دنیای اسلام از نور آن به اندازه شمعی استفاده کرده باشد. مانند اقیانوسی که فقط یک

فرد با قلاب روزی چند تا ماهی بگیرد، مانند زمین حاصلخیز با آب فراوانی که مجموعه افراد آن جامعه فقط یک محصول دم دستی تولید کنند، ما بقی نور خورشید، اقیانوس، زمین و آب بلا استفاده بماند در حالی که همه از تاریکی، بیکاری، فقر و نبودن محصولات متنوع مورد نیاز در حال هلاک شدن هستند. این قرآنی که بین ما است؟؟

### معرفی قرآن کاربردی از زبان خود قرآن و نهج البلاغه

و اما قرآنی که بین ما نیست آشنایی با معارف حقیقی کاربردی، تخصصی و نیاز روز همه انسانها است.

- ۱ - و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة
- ۲ - و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین
- ۳ - تبیان لکل شیء و مهمتر از همه
- ۴ - و لو ان قرآنا سیرت به اجبال، ار قطعات به الارض، او کلم به الموتی (رعد).

و قرآنی که حضرت در نامه ۴۷ ص ۹۷۸ می فرماید: الله الله فی القرآن لا یسیتکم بالعمل به غیرکم . مبنی براینکه قرآن بین شما باشد و عمل به آن در دیگران. نگویند زاینی ها هفت ساعت کار مفید و ایرانیها یک و نیم - دو، دوو نیم و... نگویند جنس هند، تایوان، کره، حتی ترکیه بهتر

۲۰۰۴

تفرقه در جامعه خود  
ما کار را به جایی  
رسانده که اساس و  
نظام کار اداره کشور  
را نیز با چالشهای  
جدی و خطرناک روبرو  
کرده تا مرحله ای  
پیشرفت کرده که  
توانسته سرمایه های  
مادی، معنوی، انسانی  
و... را هدر بدهد و  
نگذارد نتیجه دلخواه  
حاصل شود. متأسفانه  
جامعه فعلی ما در حال  
حاضر دارد بیشترین  
خسارت را می پردازد

روحی و روانی می افزایش و دم بر نمی آورند.  
یک و نیم میلیارد مسلمان به نظاره نشسته اند،  
چه ذلتی بالاتر از این؟ و در کشورهای اسلامی  
نیز توانسته دست نشانده های خود را به امت  
اسلامی تحمیل و از آن راه به مقاصد خود که  
جهانخواری و ابرقدرتی و یکه تازی است نایل  
آید و حقوق حقه مسلمانان را نیز پایمال نماید  
که ما در کشور خود شاهد مسئله هسته ای  
می باشیم و...

تفرقه در جامعه خود ما کار را به جایی رسانده که  
اساس و نظام کار اداره کشور را نیز با چالشهای  
جدی و خطرناک روبرو کرده تا مرحله ای  
پیشرفت کرده که توانسته سرمایه های مادی،  
معنوی، انسانی و... را هدر بدهد و نگذارد نتیجه  
دلخواه حاصل شود. متأسفانه جامعه فعلی ما  
در حال حاضر دارد بیشترین خسارت  
را می پردازد. گاهی انسان فکر می کند اگر  
خداوند تعالی به جای واعتصموا بحبل الله جمیعا  
و لا تفرقوا. و رسول اکرم (ص) و تمامی اولیاء  
(ع) به جای توصیه به وحدت، سفارش به تفرقه  
می کردند، آیا تفرقه بیشتر از این بود؟! شکایت  
حضرت رسول اکرم چه در قرآن و چه در کلام  
امیر در نهج البلاغه از این تنها معضل و درد  
بی درمانی است که به جان همه مسلمانان افتاده  
و مانند خوره دارد پیکر اسلام و مسلمانان را تا  
حد نابودی می خورد، ولی آنان بیچاره  
نمی شوند؟!...

شما در همین جامعه ولایتی، امام زمانی، امام  
حسینی و شیعی خودمان از حوزه ها-  
دانشگاه ها، ادارات در یک کلام در ابعاد سیاسی،  
فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بالاخص عقیدتی را  
ببینید این درد بی درمان با ما چه می کند. برای  
تبلیغ دین در یک دانشگاه چند نهاد وجود دارد.  
اگر اسلام، قرآن، اهل بیت و سنت و... یکی  
است پس چرا چند نیرو با چند امکانات، بودجه،  
مکان و... همه می خواهند یک کار انجام دهند،  
متأسفانه این معضل در تفسیر، تعلیم، نوشتن  
کتاب، روش تدریس، رساله ها و... به طور گسترده

از ایرانی، نکند سخن شهید سیدجمال الدین  
مصادق پیدا می کند که در دنیای کفر رفتیم  
اسلام دیدم مسلمان ندیدم. در بلاد اسلامی آدم  
مسلمان دیدم اسلام ندیدم. نگویند دنیای غرب و  
شرق از کارشان کم نمی گذارند، دروغ نمی  
گویند، اما هر چه... هست از مسلمانها است؟!...  
و هزاران مطلب دیگر.

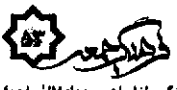
حضرت سخن از قرآنی دارد که اگر بین شما  
بود می توانستید مشکلات به اندازه کوه ها را  
از سر راه بردارید. یک عملش نزد وزیر حضرت  
سلیمان(ع) بود قطعت به الارض انجام داد؟  
قرآنی که امام رضوان الله تعالی علیه با آن انقلاب  
اسلامی را حاصل نمود و محاسبات پیچیده مادی  
دنیا را به هم زد، قرآنی که آقای ادواردو آنیلی  
فرزند بزرگ ترین سرمایه دار ایتالیایی صاحب  
کمپانی فیات را دگرگون نمود... و...

و ام نتیجه بی اعتنایی به قرآن در جوامع  
اسلامی

قرآنی که حضرت از عدم حضورش در اسلام  
شکایت دارند، قرآنی است که سفارش اکید  
رسول اکرم (ص) به امت اسلامی به همراه اهل  
بیتش به عنوان دو امانت ارزشی و از هم جدا  
ناشدنی است. قرآنی است که یک توصیه اش  
به عنوان اساسی ترین رمز اقتدار و سر بلندی  
امت اسلامی یعنی واعتصموا بحبل الله جمیعا  
می باشد که بی توجهی به همین یک اصل  
اساسی باعث شده یک و نیم میلیارد مسلمان  
با بزرگترین سرمایه های مادی و معنوی که رگ  
حیات دشمنان اسلام و در دست امت اسلامی  
است، امروز باید در بدترین و ذلیلانه ترین شرایط  
روزگار بگذرانند!...

حضرت در نهج البلاغه فرمود: تفرقه لباس عزت  
شما را در می آورد و به جای آن لباس ذلت،  
بیچارگی و بدبختی به تن شما می پوشاند. امروز  
به علت نبودن این قرآن و این دستور، امت  
اسلامی در چنگال دشمنان ضد بشریت گرفتار  
گردیده هر روز بر قتل و غارت و تصرف شهرها  
و تجاوز به نوامیس آنها و بدترین شکنجه های

۲۰۵۶



**قرآنی که امانت الهی و مایه سعادت همه بشریت است، در موقعیتی قرار گرفته که در ماه نزول قرآن یعنی ماه مبارک رمضان آیاتش در تلویزیون جمهوری اسلامی تبدیل به ابزاری برای تبلیغ کالاهای اقتصادی می شود، ربنای اذان و ... به طور تکراری گذاشته می شود و بعد از کالایی تبلیغ می شود**

دیده می شود و همه به ظاهر یک هدف دارند. قدری جلوتر برویم. سازمان تبلیغات، ستاد اقامه نماز، ستاد احیاء امر به معروف، امور مساجد، فرهنگسراها، هیئت ها، وزارت ارشاد و ... جالب است وزیر ارشاد می گفت: از وزارت ارشاد سی نهاد بودجه تبلیغاتی می گیرند. دو سال قبل یکی از معاونین سازمان بهزیستی در تلویزیون نقل می کرد ما یکصد و سی نهاد موازی مثل بهزیستی، کمیته امداد، هلال احمر و ... با یکصد و سی امکانات داریم. شهرداری می گوید ترافیک و شهرداریها به پانزده سازمان و نهاد و ... متصل است، مسؤول امور مساجد در هفته گرمیداشت مساجد می گفت هنوز متولی امور مساجد معلوم نیست، اوقاف یا ... هنوز حوزه ها نتوانستند درآمدهای وجوهاتی را سازمان بدهند که هر کس سهم امام وجوهات و ... نگیرد، آیا با این اوضاع می توان انتظار داشت جامعه رشد کند اگر با این اوضاع واحوال که پیش می رود روزی ده برابر فعلی هم نفت بفروشیم آیا باز کسری بودجه نخواهیم داشت؟! این یک توصیه قرآنی است که امیرمومنان می فرماید قرآن در بین شما هست، در بین شما نیست. پیامبر از نبودن این قرآن به خدای تعالی شکایت می کند.

**نقش قرآن در سرنوشت و نسل حال و آینده**

جامعه ما نیاز به این قرآن با تفسیری نظیر نهج البلاغه دارد تا بتوان نسل جدید را با دین جدید، متناسب با فرهنگ جدید همراه با ادبیات جدید آشنا نمود، اگر این قرآن و نهج البلاغه به صحنه بیاید همه چیز کشور ما تحولی حیرت انگیز پیدا خواهد کرد، اگر قرآن، نهج البلاغه دین بخواهد با همین سبک کهنه سنتی پیش برود، روز به روز دین ابزاری تر و بی محتواتر می شود. اگر جامعه و مردم ما با این قرآن مورد نظر حضرت و نهج البلاغه آشنا می شدند نمی بایست قرآن و احکام دین اینگونه مورد بی مهری قرار گیرد.

**نقش رسانه ها در مهجوریت قرآن**  
قرآنی که امانت الهی و مایه سعادت همه بشریت است، در موقعیتی قرار گرفته که در ماه نزول قرآن یعنی ماه مبارک رمضان آیاتش در تلویزیون جمهوری اسلامی تبدیل به ابزاری برای تبلیغ کالاهای اقتصادی می شود، ربنای اذان و ... به طور تکراری گذاشته می شود و بعد از کالایی تبلیغ می شود.

مداحی معروف با قل اعوذ برب الناس شعر می خواند، در جلسات مولودی زنانه انا اعطیناک الکوثرش همراه با موسیقی و پایکوبی زمینه رقص و شادی می شود، آیاتش در روزنامه ها زیرپا، در اتوبوسهای برون شهری، جلوی مغازه ها، در جویها و آشغال دانی ها حتی به جای زیرانداز در نمازهای جمعه به ویژه در راهپیمایی هایی نظیر بیست و دوم بهمن و پانزده خرداد و ... مانند فرش نقش زمین می شود و همگان از روی آنها عبور می کنند، آن هم در کشور قرآن، واقعا علمای اسلام، اساتید حوزه ها در مقابل این بی احترامی ها به درگاه الهی و ساحت مقدس امام عصر چه پاسخی دارند؟ ما وظیفه خود دانستیم به عنوان یک مسلمان و بر اساس آن تقوما لله مثنی و فرادی ندای مظلومیت، مهجوریت و انزوای این دو گوهر ارزشمند اما ناشناخته، یعنی قرآن و نهج البلاغه را به گوش همه مسؤولین برسانیم، گرچه تاکنون نامه های متعددی ارسال شده ولی ما به وظیفه عمل می کنیم اگر لازم باشد میلیونها از این نامه های بی جواب بنویسیم، می نویسیم. خدای تعالی، انبیاء اولیاء باید بدانند که می دانند و بر ما است که حجت را تمام کنیم خواه گوش شنوایی باشد خواه نباشد!!

پی نوشت ها:

- ۱ - کل حزب بمالدیهم فرحون - روم ۳۲.
- ۲ - توبه، ۱۲۲.
- ۳ خطبه ۱۴۷، ص ۴۴۸ فیض و خطبه ۱۷۵، ص ۵۶۷.

۲۰۰۵